

دکتر حسن دلبری، استاد ادبیات و عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری:

نسل ماشین‌زده امروز در ک‌درستی از عظمت و عمق ادبیات فارسی ندارد

زبان فارسی ریشه هویت و فرهنگ ماست. حفظ آن تنها یک وظیفه زبانی نیست، بلکه ضرورتی برای حفظ اصالت و عمق انسانی ماست. وقتی زبان زنده می‌ماند، روح جامعه نیز زنده می‌ماند. در این زمینه با دکتر حسن دلبری، استاد ادبیات و عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری، به گفت‌وگو نشستیم. او با استعاره‌ای زیبا و عمیق می‌گوید: «شعر و ادبیات فارسی، آرایش سفره زندگی است که اشتباهی روح را بازی می‌کنند.» او تأکیدی می‌کند که ادبیات و شعر فارسی با طراوتی که به جان می‌بخشد، اشتها را برای زیباتر شدن زندگی بازی می‌کند و این هنر استادان است که بتوانند این طراوت را به نسل‌ها منتقل کنند. ■■■

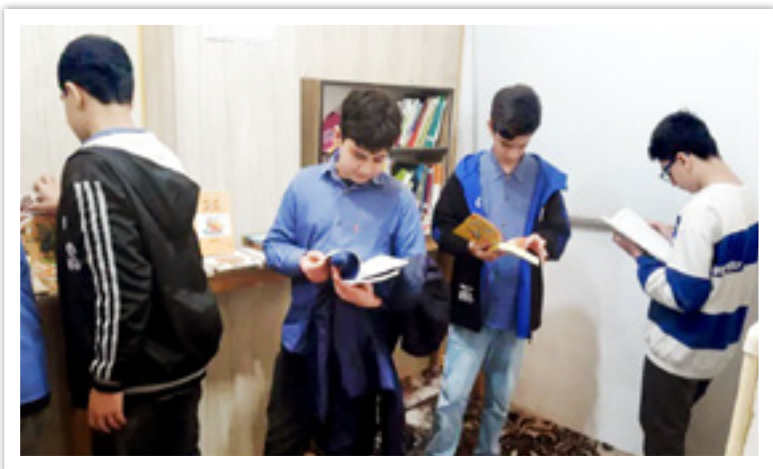
استاد یکی از ترویج‌دهندگان ادبیات، نقش حفظ میراث غنی ادبیات فارسی چگونه زبانی می‌کنید؟

در طول تاریخ، آموزش همیشگی بوده و تغییرات عمدتاً در روش‌ها رخ داده است. انسان‌ها همواره از بزرگان، جوانان و حتی غیرانسان‌ها آموخته‌اند. داستان آموختن حضرت آدم از سوی کلاغ نشان‌دهنده این پیوستگی است و در تمام این تاریخ، اگر ظاهر استادی نبوده، روح استادی در آموزش ذایل بوده است. همان‌طور که شاعر می‌گوید: «یکی نغز بازی کند روزگار / که بپشاندن پیش آموزگار.» امروز تغییرات شیوه‌های آموزش بسیار است. از آموزش مکتب‌خانه‌ای که کودک دو زانو پیش معلم می‌نستند و ترکه ابار بر سرش بوده، به وضعیت فعلی رسیده‌ایم. با این حال، در رابطه استاد و شاگرد جایگاه حفظ شده و با هوش مصنوعی نیز فعلاً دچار تزلزل نشده‌ایم و هم‌چنان قدردان این شیوه آموزش هستیم. این موضوع در آموزش زبان و ادبیات فارسی بیش از دیگر دروس صدق می‌کند. از استادی که ادبیات فارسی می‌تدریس می‌کند، از زمان کرونا تاکنون نتوانسته در آموزش مجازی مانند آموزش حضوری و چهره‌به‌چهره تدریس کند. در آموزش حضوری ادبیات، حالت چهره استاد با خواندن هر بیت شعر تغییر می‌کند، اما در فضای مجازی امکان رعایت این مورد وجود ندارد که این یکی از اشکالات عمده است. اما نمی‌توان آن را نادیده گرفت و چاره‌ای جز پذیرش این واقعیت نیست. استادی در این دوره موفق است که بتواند با به‌کارگیری شیوه‌های جدید، الفای احساس و عاطفه لازم را نیز داشته باشد. این کار بسیار دشوار اما شدنی است. تجربه نویسند در کلاس‌های مجازی به‌ویژه در دوران کرونا، به این نتیجه رسید که هر چالشی را می‌توان به فرصتی تبدیل کرد. باز‌خوردهایی که از دانشجویان دریافت می‌کرد، نشان می‌داد که در این مسیر موفق بوده است.

بزرگ‌ترین چالش‌هایی که در آموزش ادبیات فارسی با آنها مواجه هستیم، چه مواردی هستند؟ و چگونه می‌توان این چالش‌ها را برطرف کرد؟

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش‌روی آموزش زبان و ادبیات فارسی امروز، مسئله تکنولوژی است. البته باید گفت که ما اینجا از «واژه «چالش» استفاده می‌کنیم، نه عیب یا اشکال؛ زیرا عیب چیزی است که باید برطرف شود، اما چالش در واقع یک فرصت است. تکنولوژی باعث شده است که انسان‌ها و ذهن‌ها ماشینی نشوند و این موضوع تعادل میان عقل و احساس را به هم زده است.

در گذشته، اگر در کلاس از داستان لیلی و مجنون صحبت می‌کردیم، نیمی از دانشجویان، خواسته یا ناخواسته، اشک می‌ریختند. اما امروز نسل جوان با بی‌تفاوتی از این مفاهیم می‌گذرد و حتی گاهی با عبارت «این‌ها دیوانه‌بازی بوده» یا «ذهن‌شان مشکل داشته» به آنها نگاه می‌کند. این نشان می‌دهد که انسان امروز به سمت نوعی عقلانیت محض پیش می‌رود که در آن، احساس و عاطفه به حاشیه رانده می‌شود. رفتن به سمت عقلانیت ذاتاً خوب است. اما زمانی که عقل جای احساس را بگیرد و به جای حرکت دوشادوش آن، بر آن غلبه کند، مشکل‌ساز می‌شود. از آنجا که ادبیات فارسی سرشار از احساس و عاطفه است، نسل عقل‌گرای ماشین‌زده



امروز نمی‌تواند عمق و عظمت ادبیات و لذت ادبی را درک کند و در نتیجه، متن برایش لذتبخش نخواهد بود. چالش دیگری که داریم، این است که نسل جدید، پایه‌ها و مایه‌های ادبیات گذشته را به‌عنوان نیاز ضروری زندگی امروز نمی‌بیند. آنها حساب‌گر شده‌اند و زندگی را مانند یک چرتکه می‌بینند. اگر در دروسشان فرمولی ببینند که منجر به ساخت بن‌زینی با سرب کمتر شود، آن را آموزش مفیدی می‌دانند، اما شعری که احساس قوی دارد و سود مادی مستقیم برایشان ندارد، بیهوده می‌پنارند.

اما باید درک کنیم که شعر و ادبیات، مانند برنج، گوشت یا ترکه ابار بر سرش بوده، به وضعیت فعلی رسیده‌ایم. با این حال، در رابطه استاد و شاگرد جایگاه حفظ شده و با هوش مصنوعی نیز فعلاً دچار تزلزل نشده‌ایم و هم‌چنان قدردان این شیوه آموزش هستیم. این موضوع در آموزش زبان و ادبیات فارسی بیش از دیگر دروس صدق می‌کند. از استادی که ادبیات فارسی می‌تدریس می‌کند، از زمان کرونا تاکنون نتوانسته در آموزش مجازی مانند آموزش حضوری و چهره‌به‌چهره تدریس کند. در آموزش حضوری ادبیات، حالت چهره استاد با خواندن هر بیت شعر تغییر می‌کند، اما در فضای مجازی امکان رعایت این مورد وجود ندارد که این یکی از اشکالات عمده است. اما نمی‌توان آن را نادیده گرفت و چاره‌ای جز پذیرش این واقعیت نیست. استادی در این دوره موفق است که بتواند با به‌کارگیری شیوه‌های جدید، الفای احساس و عاطفه لازم را نیز داشته باشد. این کار بسیار دشوار اما شدنی است. تجربه نویسند در کلاس‌های مجازی به‌ویژه در دوران کرونا، به این نتیجه رسید که هر چالشی را می‌توان به فرصتی تبدیل کرد. باز‌خوردهایی که از دانشجویان دریافت می‌کرد، نشان می‌داد که در این مسیر موفق بوده است.

مطالعه و پژوهش‌های ادبی چه نقشی در حفظ اصالت‌ها و ارزش‌های فرهنگی زبان و ادبیات فارسی دارد؟ و چگونه این پژوهش‌ها می‌توانند نسل جدید را به هویت ملی و فرهنگی پیوند دهد؟

نقش استاد در ایجاد انگیزه برای دانشجو و نسل جدید جهت برقراری ارتباط با متون کهن، بسیار کلیدی و مؤثر است. بسیاری از ما در ذهن داریم که ماندگارترین چهره‌های زندگی مان، معلمان ادبیات‌مان بوده‌اند؛ کسانی که نه‌تنها درس داده‌اند، بلکه گاهی مسیر زندگی افسراد را تغییر داده‌اند و حتی جلوی افسردگی یا اقدام به خودکشی برخی دانشجویها را گرفته‌اند. این نشان‌دهنده تأثیر عمیق معلم ادبیات در معرفی غنای ادبی و فرهنگی کشور به نسل جدید است. اما نکته اصلی اینجاست که ما باید به گونه‌ای عمل کنیم که نسل جدید برای ادبیات «احساس نیاز» کند. متأسفانه امروزه این احساس نیاز به حدش کاهش یافته است. نسل جدید با گذشته خود دشمنی ندارد، بلکه صرفاً

احساس نمی‌کند که به آن نیاز دارد. در این راستا، رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه ملی، نقش پررنگی دارند. من همیشه از رسانه ملی گله دارم؛ نه اینکه بخواهم سطح برنامه‌ها را پایین بیاورم، بلکه معتقدم برنامه‌هایی مانند «شکرستان» که رستوم و سهراب را به تصویر می‌کشند، اگرچه ماهیت خودشان مناسب کودکان است و مردم تعصب خاصی روی آن ندارند، اما جایگزین مناسبی برای معرفی عمیق‌تر این اسطوره‌ها نیستند. مردم تشنه «آب زلال» هستند، اما چسبون آب زلال پیدا نمی‌کنند، ناچار به سمت «آب ناسالم» می‌روند. اگر رسانه‌ها منابع غنی ما را با قالب‌های جدید و جذاب ارائه می‌دانند، مردم رغبت بیشتری نشان می‌دانند. در کلاس‌های درس خودم بارها دیده‌ام که وقتی بخشی از داستان‌هایی مانند خسرو و شیرین را تعریف می‌کنم، دانشجویان با ذوق می‌پرسند چرا تا حالا این‌ها را نمی‌دانستیم و چرا رسانه‌هاین موضوعات را با قالبی جدید به ما معرفی نکردند.

استفاده از قالب‌ها و امکانات جدید رسانه‌ای می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد، اما متأسفانه امروزه هم استاد جایگاه

میزان حق‌التدریس اساتید در این درس با دروس تخصصی تفاوت دارد و بسیاری از اساتید برجسته ترجیح می‌دهند در مقایسه با یادگیری تدریس کنند تا تجربان کمبودهای مادی یا اعتباری نکنند. سیستم باید این مشکل را حل کند تا اساتید تمام و دانشیاران، به‌ویژه آن‌هایی که خوش‌ذوق و خوش‌سخن هستند، درس فارسی عمومی را ارائه دهند. و اما نکته سوم، انتخاب متن است. فارسی عمومی‌های بی‌شمارى در بازار وجود دارد، اما بسیاری از آنها به جای انتخاب زیباترین و عمیق‌ترین متون تاریخ ادبیات، صرفاً برای پر کردن نام نویسندگان یا شاعران خاص، متونی را آورده‌اند که اصلاً از نظر ادبی جذاب نیستند. دانشجویان امروز تشنه متن‌های زیبا و تأثیرگذارند، اما در کتاب‌های درسی به سختی آنها را پیدا می‌کنند. استاد باید متونی را انتخاب کند که واقعاً جان‌مایه ادبیات فارسی باشند تا این تشنگی را برطرف کنند.

به نظر شما، چگونه می‌شود زبان و سبک ادبیات فارسی را در کنار آموزش‌های علمی و فنی، به عنوان ابزاری پویاتر در فرآیند تربیت نسل‌های جدید قرار داد؟

به نظر من اگر ادبیات را امروزه به‌صورت علمی و با استفاده از شیوه‌های نوین آموزش دهیم، می‌توانیم آن را بسیار جذاب‌تر کنیم. برخلاف برخی دیدگاه‌ها که معتقدند تنها راه ارتباط با ادبیات، باز کردن کتاب و استشمام بوی کاغذ آن است؛ که اگر چه حسن زیبایی‌ای است، اما با امکانات امروز می‌توان بهتر از گذشته عمل کرد. ۲۵سال پیش که این فناوری ناهایون، من گاهی یک صوبت نوار کاست با خودم به کلاس می‌بردم و اگر قرار بود غزلی از حافظ را بررسی می‌کردم، صدای اساتید آواز ایران را بخش می‌کردم و هم‌زمان تفسیر آن ارائه می‌دادم. گاهی نیز تبلوی خوشنویسی یک بیت از آن غزل را، مثلاً خوشنویسی استاد امیرخانی را، به کلاس می‌آوردم و از دانشجویان می‌خواستم ابتدا از زیبایی خط و متن لذت ببرند و سپس وارد بحث کلی غزل شویم. امروزه با پیشرفت فناوری، این فرآیند بسیار ساده‌تر و مؤثرتر شده است. اگر آموزش‌ها را تلفیقی کنیم، یعنی علاوه بر جنبه علمی، از جنبه بصری نیز استفاده کنیم، تأثیرگذاری آن چندین برابر می‌شود. می‌توانیم از قبل کلیه‌ها و موسیقی‌های مرتبط را آماده کنیم و در حین تدریس، آنها را در دانشجویان نمایش دهیم. این رویکرد می‌تواند جذابیت و رسایی آموزش را به‌شدت افزایش دهد و باعث شود دانشجویان با لذت و علاقه بیشتری با متون ادبی مواجه شوند.

در مواجهه با آسیب‌هایی مانند دخل و تصرف نادرست در زبان، واژگان بیگانه، و کاهش مهارت‌های نگارش، چه نقش و وظیفه‌ای بر عهده‌استادان ادبیات است؟

یکی از چالش‌های پیش‌روی ویرایش و نگارش، تأثیر تکنولوژی است. در گذشته، اگر چه در گفتار ممکن بود با لهجه صحبت کنیم، اما در نوشتار بسیار کلاسیک و فاخر عمل می‌کردیم و کلمات را هرگز شکسته به کار نمی‌بردیم. اما امروزه همان‌طور که صحبت می‌کنیم، همان‌طور هم پیام می‌دهیم و ایمیل رسمی و کلمات را شکسته می‌نویسیم. من معتقدم که این موضوع لزوماً یک عیب یا اشکال نیست، بلکه اگر از چارچوب خارج نشود، نوعی کم‌کوشی طبیعی در زبان است که باید آن را پذیرفت. با گذشت زمان، تلفظ و نوشتار هماهنگی‌شان شدند. حتی اگر زمانی «خواهر» را «خاهر» می‌نوشتند، امروز نوشتار آن اصلاح شده و در املا نیز راحت‌تر است. بنابراین، این تغییرات را می‌توان به‌عنوان یک چالش دید، نه یک مشکل غیرقابل حل.

با این حال، علائم نگارشی و قواعد ویرایشی نباید تحت تأثیر این تغییرات قرار گیرند. رعایت علائم نگارشی برای خوانش درست متن ضروری است و جایگاه آن مشخص است. این نکته باید در درس «فارسی عمومی» به‌درستی آموزش داده شود و از دانشجویان انتظار داشته باشیم که آن را رعایت کنند. بنابراین، در حالی که می‌توانیم با تغییرات طبیعی زبان و کم‌کوشی در نوشتار کنار بیاییم، اما اصول ویرایشی و نگارشی باید با دقت و جدیت آموزش داده شوند تا کیفیت نوشتاری دانشجویان حفظ شود.



چه راهکارهایی را برای توسعه و شکوفایی ادبیات معاصر ارائه می‌دهید؟ و چگونه می‌توان از میراث کهن برای تربیت ادبیات نوین بهره برد؟

در مورد ادبیات معاصر، بخشی از ماجرا خارج از کنترل ماست؛ درست مانند ادبیات کهن که شاعرانی مثل مولوی، حافظ و سعدی در دوران خود بی‌تغیر بودند و نمی‌توانیم از نسل امروز انتظار داشته باشیم که ادبیات معاصر را به زور دوست بدارند. اگر نسل جوان با آثار خوبی مواجه شود، خودشان به سراغشان می‌روند و اگر نشوند، طبیعی است که جذب نشوند. مشکل اصلی اینجاست که امروزه این آثار در فضای مجازی به وفور در دسترس هستند، اما دقیقاً به همین دلیل، مردم کمتر به دنبال آنها می‌گردند. در گذشته برای یافتن یک کتاب باید سختی زیادی می‌کشید و آن را با جان و دل حفظ می‌کردید، اما الان که همه‌چیز در دسترس است، انگار ارزشش کم شده و کمتر به سراغش می‌روند.

یکی از اشکالات دیگر این است که شاید در ادبیات معاصر، به اندازه ادبیات گذشته، آثار درجه‌یک و ماندگار کمتری داریم. اما حتی اگر آثار خوبی هم باشند، به درستی معرفی نمی‌شوند. کسی که دنبال رمان است، مدام با رمان‌های ضعیف مواجه می‌شود و رمان خوب در میسان آنها گم می‌شود. همچنین شنیدن شعرهای ضعیف از شاعران کم‌توان، باعث می‌شود که شعر قوی دیده نشود و پیدا نشود. مسئله بنده، نحوه استفاده از رسانه است. گاهی افراد رسانه‌های قوی دارند اما محتوای ضعیفی تولید می‌کنند و با قدرت رسانه‌ای آن را پخش می‌کنند. در مقابل، بسیاری از چهره‌های موفق ادبیات همت و طبع بالایی دارند، اما دنبال و پیگیر نیستند که کارشان دیده شود. وظیفه رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه ملی، این است که به سراغ این استعداد‌های واقعی بروند و آثار ارزشمند آنها را در سطح جامعه منتشر کنند تا این جنبه‌های ادبی دیده شوند.

چگونه می‌توان توسعه پژوهش‌های علمی و حفاظتی در حوزه زبان و ادبیات فارسی را در پدء و چگونه می‌توان نهادی قوی‌تر برای حراست و توسعه این حوزه شکل داد؟

برای حفاظت و صیانت از زبان و ادبیات فارسی، کمیود نهاد نداریم، اما متأسفانه عملکرد درست و کافی در آنها دیده نمی‌شود. فرهنگستان زبان و ادب فارسی به‌طور مشخص وظیفه تعریف‌شده‌ای دارد و خوب هم عمل می‌کند، اما این اقدامات به تنهایی کافی نیست. وقتی مردم فرهنگستان را تنها با «واژه‌سازی» می‌شناسند، طبیعی است که انتظارات آنها نیز به همین حد محدود می‌شود. نکته بعدی مربوط به تشکیلات رسمی، وزارتی و سیاست‌گذاری کلان است. اگر به گذشته نگاه کنیم، در طول چند دهه اخیر، چند وزیر علوم ما از رشته ادبیات فارسی بوده‌اند؛ حتی چند نفر از آنها رشته‌شان علوم انسانی بوده است؟ گاهی وقتی از جنگ‌ها و درگیری‌های امروز جهان صحبت می‌کنم، می‌گویم اگر آن قدرت‌های بزرگ دو واحد از حافظ یاد دو واحد از مثنوی را می‌خواندند، شاید دنیا به این جا نمی‌رسید. نتیجه این نگاه‌ها همین وضعیت فعلی است، وقی سیاست‌گذاران کلان اینگونه به موضوع نگاه می‌کنند، طبیعتاً استاتی‌دی که در جبهه کار و در ارتباط مستقیم با دانشجویان هستند، نمی‌توانند کار زیادی از پیش ببرند. نگاه‌های کلان برای حفظ و صیانت بسیار حیاتی هستند و تا زمانی که این نگاه‌ها تغییر نکنند، در سطوح پایین‌تر کار چندانی پیش نمی‌رود.

به عنوان مثال، زمانی بیش از ۵۰ کرسی گسترش زبان و ادبیات فارسی در سطح جهان داشتیم و با نظر ما، اساتید کافی برای پوشش آنها وجود داشت. اساتیدی با ذوق و رغبت برای آن سفرها می‌رفتند. اما امروز چران کرسی‌ها در حال از بین رفتن هستند؟ به این دلیل که هیچ استادی رغبتی ندارد که تنها با حقوق ریالی اندک به آنجا برود، حتی هزینه رفتن‌او مد هم تأمین نمی‌شود. کسی حاضر نیست برای یک بار سفر به یک کشور دیگر، هواپیمای ماشین یا خانه خود را بفروشد تا هزینه سفرش تأمین شود. طبیعتاً چنین استادی رغبتی به پذیرش آن کرسی‌ها ندارد و این دقیقاً اشکالی است که از سیاست‌گذاری‌های کلان ناشی می‌شود.

فارسی همان فردوسی است

حسین گل محمدی

زبان فارسی سرشار از اسرار و آثار شگفت‌انگیز است. فردوسی با آن گره خورده است؛ چرا که شبیه‌ترین فردوسی است که حروف «ف» و «ر» و «س» و «ی» که به زبان فارسی روح و جانی دوباره بخشید. شاه فقط چنین‌زبایی کلمات در کنار هم نیستست تا حساسه در روایت فرهنگ ناب و بی‌بدیل ایرانی با آثار فردوسی، سعدی، حافظ، مولوی و صدها شاه‌ادبیات بیگانه نمی‌رفت. از این نکته که بگذرد، زبان ناب‌ترین احساسات انسانی را بیان و شگرف‌ترین مکتوب ارزشمند و جاودانه باقیمانده از شاعران ۱۲۵۰ر دیهشت، روز پاسداشت زبان فارسی و بزرگ‌ترین است تا بار دیگر جایگاه واقعی زبان فارسی را در زغنی فارسی را در گفتار و نوشتار مان باشناسی و



زبان فارسی، میراثی که باید در خانه زنده بماند



بسیاری از والدین برای فراگیری زبان‌هایی مانند انگلیسی از فرزندان خود وقت و هزینه زیادی می‌گذارند، در حالی که گاهی فرزندشان حتی در خواندن یک صفحه از کتاب‌های درسی فارسی با درک مفاهیم ساده ادبیات کهن با چالش مواجه است.

موضوع اهمیت دادن به زبان فارسی تنها یک بحث آموزشی نیست، بلکه همداری جدی درباره هویت ماست. زبان تنها ابزار ارتباط نیست، بلکه آینه فرهنگ، تاریخ و اندیشه یک ملت است. وقتی می‌پرسیم «یا ما با زبان مادری خود آشناستیم، کافی داریم؟»، در واقع درباره عمق پیوند نسل جدید با گنجینه ادبیات ایران سؤال می‌کنیم. آیا می‌توانیم شاهنامه فردوسی، گلستان سعدی یا مثنوی مولوی را نه فقط به‌عنوان متونی برای حفظ کردن، بلکه به‌عنوان متونی زنده، پرمعنا و زیبا درک کنیم؟ پاسخ بسیاری از ما شاید منفی باشد و این توجهی ریشه در تغییر اولویت‌های برخی از خانواده‌ها دارد.

خانواده اولین و مهم‌ترین بستری انتقال زبان و فرهنگ است. مدرسه و کلاس‌های زبان خارجی می‌توانند مهارت‌های جدیدی به فرزندان ما بیاموزند، اما نمی‌توانند جایگزین حس تعلق و

عمق معنایی زبانی نشوند که در بستر خانه و با گویندگان اصلی آن یعنی پدر، مادر، پدربزرگ و مادر بزرگ شکل می‌گیرد.

خانواده‌ها می‌توانند با انجام چند اقدام ساده اما مؤثر، نقش حیاتی در احیای زبان فارسی و انتقال درست آن به نسل بعد ایفا کنند.

۱. خواندن کتاب، نه به عنوان تکلیف، بلکه به عنوان لذت
زمانی را در هفته اختصاص دهید تا با فرزندان کتاب فارسی بخوانید. این کار نباید شبیه درس خواندن باشد. حتی اگر کتاب کوتاه یا داستان‌های تصویری باشد، خواندن آن با هم می‌تواند علاقه کودک را به کلمات فارسی زنده کند. بگذارید فرزندان ببینند که خواندن فارسی می‌تواند سرگرم‌کننده و لذت‌بخش باشد.

۲. توجه به آوای کلمات و تلفظ صحیح
در گفت‌وگوهای روزمره سعی کنید از واژگان دقیق و زیبا استفاده کنید. استفاده از ضرب‌المثل‌های شیرین و شعرهای کوتاه به فرزندان کمک می‌کند تا با زیبایی‌شناسی زبان فارسی آشنا شوند. اگر فرزندان در بیان کلمات اشتباه کرد، او را سرزنش نکنید؛ بلکه با مهربانی تلفظ درست را به او گوش دهید و تشویقش کنید.

یادگیری زبان انگلیسی یا هر زبان خارجی دیگر، دریچه‌ای تازه به سوی جهان است، اما نباید باعث شود ریشه‌های خودمان را فراموش کنیم. ما می‌توانیم هم با دنیا حرف بزنیم و هم با زبان مادری‌مان احساساتمان را بیان کنیم. زبان فارسی، زبان دل و هویت ماست. باید در خانه، این گنجینه زیبا را با مهربانی به فرزندانمان بیاموزیم.

توسعه‌یابی و حماسه‌یابی

ت و این هم از شگفتی‌های زبان فارسی است که نام نام در میان شاعران به واژه فارسی، نام با عظمت در هر دو مشترک است؛ همان شاعر وطن‌دوستی هانم‌ها، شاهکار جهانی حکیم ابوالقاسم فردوسی، اثری منظوم شکل بگیرد. شاهنامه اوج احساس و تمام فر و شکوه، عمق و گستره آن است و در عین وضه شده است. بی تردید و بدون شک، اگر نسل ست و کاملی داشت، هیچ گاه حتی یک لفظ و واژه اصیل و زیبایی فارسی نمی‌کرد. اگر او می‌دانست متعالی انسانی، اخلاقی و الهی است، تا زمانی که نکار وطنی دیگر را نخواهده است، به سراغ زبان و زبان و ادبیات فارسی محملی است که با آن می‌توان حماسه‌ها را روایت کرد، و هزاران اثر منظوم و ادیبان قدیم، بر این واقعیت مهر تأیید می‌زند. نداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی، فرصتی ارزنده ندگی مان باز خوانی و دلایل کم‌رنگ شدن ادبیات سبب‌شناسی کنیم.



معصومه امیرزاده، نویسنده و پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی می‌گوید: اگر معیار موفقیت را توانایی درست‌خوانی، قدرت بیان و توان تولید نوشتار لذت از خوانندگی، قدرتی بیان و توان تولید نوشتار سنجیده بدانیم، باید گفت که روند آموزش زبان فارسی به نسل جدید، رضایت‌بخش نیست. متن گفت‌وگو با وی به شرح زیر است.

زبان فارسی در دنیای امروز با توجه به گسترش زبان‌های خارجی و به ویژه زبان انگلیسی چه چالش‌هایی را پیش رو دارد؟

دو نکته در پاسخ به این سؤال مهم است: اول آنچه در سطح می‌بینیم، اینکه زبان فارسی امروز با مجموعه‌ای از چالش‌های هم‌زمان و چندلایه روبه‌روست. مهم‌ترین چالش، فشار جهانی زبان انگلیسی در حوزه‌های علم، فناوری، تجارت، رسانه و آموزش عالی است. این فشار، اگر مدیریت نشود، به وابستگی واژگانی و سپس وابستگی مفهومی می‌انجامد، یعنی نه تنها واژه‌های بیگانه وارد زبان می‌شوند، بلکه شیوه اندیشیدن و بیان نیز به تدریج از الگوهای بومی فاصله می‌گیرد. همچنین گسترش مصرف‌گرایی زبانی به این معنا که برخی گویشوران، به‌ویژه در فضاهای تبلیغاتی، تجاری و شبکه‌های اجتماعی، استفاده از واژه‌های خارجی را نشانه بالاتر بودن سطح اجتماعی می‌پندارند. این نگرش، زبان فارسی را نه به عنوان زبانی توانمند، بلکه به عنوان زبانی نیازمند تکیه‌گاه بیرونی معرفی می‌کند که این تصور از اساس نادرست است و اما فناوری و محیط دیجیتال، اگر زبانی در تولید محتوا، نرم‌افزار، هوش مصنوعی، بانک‌های واژگانی، موتورهای جست‌وجو و آموزش الکترونیک حضور فعال نداشته باشد، به تدریج از عرصه‌های اثرگذار حذف می‌شود. بنابراین مسئله‌گفت‌نورد و واژه‌های بیگانه نیست، بلکه حضور یا غیاب فارسی در زیست‌بوم دیجیتال است. در کنار این موارد، باید به ضعف در آموزش مهارت‌محور زبان فارسی، کاهش سرانه مطالعه، ساده‌انگاری در نگارش رسمی و فاصله گرفتن از معیار بیگانه نیز اشاره کرد. باید از فرسایش کارکردی زبان مراقبت کرد، یعنی ممکن است در برخی حوزه‌های علمی، فناوریانه و ارتباطی، کارایی و اختصار خود را از دست بدهد اگر برای آن برنامه‌ریزی نشود، اما لایه عمیق‌تر پاسخ این است که «پیشینه زبان‌های ایرانی به سده هشتم پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد. این زبان در سیر تحولی خود، از دوره ماد تا اوستانایی، فارسی باستان، پهلوی (فارسی میانه) ساعدی و فارسی دری، تکاملی پیوسته و دراز‌هنگ را تجربه کرده است. زبان فارسی با پرمهندی از ویژگی‌های پویایی و انعطاف‌پذیری، در مواجهه با فرهنگ‌های گوناگون، ماهیتی تاب‌آور و خلاق از خود نشان داده است. ساختار زبانی فارسی، از ویژگی «زبانی» بر خوردار است که توانمندی آن را در واژه‌سازی و صورت‌بندی مفاهیم نو تضمین می‌کند و نکته مهم این است که با توجه به تغییر کانون‌های قدرت ژئوپلیتیک از جهان غرب به غرب آسیا، پیش‌بینی می‌شود در آینده‌های نزدیک، دامنه نفوذ و گسترش زبان فارسی افزایش یافته و این زبان به‌عنوان ابزاری نوین برای تعاملات فرهنگی و علمی، مورد توجه جوامع دیگر قرار گیرد.»

به نظر شما، زبان فارسی به عنوان یکی از ارکان هویت ملی ایران چه نقشی در حفظ و تقویت فرهنگ ایرانی دارد؟

زبان تنها وسیله ارتباط نیست؛ عامل وحدت و یکپارچگی ملت‌هاست. در ایران نیز تمام گروه‌های مختلف قومی در دوره‌های تمدنی ایران بر سر زبان با همدیگر همسو بودند. این انتخابی آگاهانه است که به انسجام ملی می‌انجامد. زبان فارسی حامل حافظه تاریخی، فرهنگی و تمدنی ایرانیان است. بخش عظیمی از جهان‌بینی، اخلاقی، حکمت، اسطوره، تجربه تاریخی و نظام ارزشی ایرانیان از طریق زبان فارسی منتقل شده است. از شاهنامه فردوسی تا تغزلیات حافظ، از مثنوی مولوی تا اثر بیعتی و گلستان سعدی، این زبان نه‌فقط وسیله بیان، بلکه صورت‌بند هویت ایرانی بوده است. زبان می‌تواند پیوستگی تاریخی ما را حفظ کند. ایران



روند آموزش زبان فارسی به نسل جدید رضایت‌بخش نیست

معصومه امیرزاده، نویسنده و پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی:



امروز را به ایران گذشته و آینده بل می‌زند، منتقل‌کننده میراث فکری و ادبی ماست. بدون آشنایی عمیق با فارسی، بخش بزرگی از میراث ادبی و فکری ما از دسترس نسل جدید خارج می‌شود. زبان می‌تواند وحدت فرهنگی ایجاد کند. بنابراین تضعیف زبان فارسی، فقط تضعیف یک نظام زبانی نیست، بلکه به معنای آسیب دیدن پیوندهای هویتی و فرهنگی جامعه ایرانی است. هر اندازه فارسی غنی، زنده، خلاق و کارآمد باقی بماند، فرهنگ ایرانی نیز توان بازتولید و پایداری بیشتری خواهد داشت.

آیا ما در حال حاضر در آموزش زبان فارسی به نسل جدید موفق عمل کرده‌ایم؟ اگر نه، مشکل اصلی چیست؟

اگر معیار موفقیت را توانایی درست‌خوانی، درست‌نویسی، درک متن، لذت از خواندن، قدرت بیان و توان تولید نوشتار سنجیده بدانیم، باید گفت که روند آموزش زبان فارسی به نسل جدید، رضایت‌بخش نیست. مشکل اصلی در اینجاست که آموزش زبان فارسی در بسیاری از سطوح، هنوز حافظه‌محور، امتحان‌محور و غیر کاربردی است. دانش آموز گاه قواعد را می‌آموزد، اما نمی‌تواند متنی روشن و منسجم بنویسد؛ شعر می‌خواند، اما از ظرافت‌های زبانی آن لذت نمی‌برد؛ کتاب درسی را حفظ می‌کند، اما قدرت تحلیل و بازفرینی زبانی پیدا نمی‌کند. غلبه حفظ بر مهارت، کم‌رنگ بودن آموزش نگارش عملی در شاخه‌های مختلف، فقدان پیوند میان زبان فارسی و زندگی واقعی دانش‌آموز، ضعف در ترویج مطالعه آزاد، کمبود روش‌های جذاب، خلاق و تعاملی در تدریس و آموزش ناگفتی برخی معلمان در روش تدریس نوین زبان از جمله مشکلات بنیادی است. نسل جدید از زبان فارسی فاصله‌نگرفته، بلکه اغلب شیوه‌های ما در آموزش، نتوانسته است میان فارسی مدرسه و فارسی زندگی پلی مؤثر برقرار کند.



شما به عنوان استاد زبان و ادبیات فارسی، چه راهکارهایی برای ارتقای سطح خوانندگی و نوشتن زبان فارسی در مدارس پیشنهاد می‌دهید؟

برای ارتقای سطح خوانندگی و نوشتن، باید از آموزش صرف معلومات به سمت پرورش مهارت زبانی حرکت کنیم. دانش‌آموز باید به‌طور منظم بنویسد. خلاصه‌نویسی، توصیف، گزارش، یادداشت، نقد کوتاه، نامه، روایت و مقاله نوشتن، مهارت‌های تمرینی است، نه صرفاً دانشی نظری. اما برای این کار باید موضوع انتخابی جذاب باشد. کتابی

داستان‌گویی دیجیتال، وبلاگ‌نویسی آموزشی و تولید محتوای دانش‌آموزی برای تقویت زبان استفاده کرد.

فضای مجازی به عنوان یک عامل مؤثر در گسترش زبان و فرهنگ چه تهدیداتی برای زبان فارسی ایجاد کرده است؟

فضای مجازی در کنار فرصت‌های فراوان، تهدیدهایی نیز برای زبان فارسی ایجاد کرده است. مهم‌ترین تهدید، شتاب‌زدگی در نوشتن و در نتیجه، کاهش دقت زبانی است. در این فضا، اختصار، سرعت و هیجان غالباً بر دقت، سلامت و سنجیدگی زبان غلبه می‌کند. تهدید دیگر، روح نوشتار آشفته و غیرمعیار است. مانند بی‌اعتنایی به املا، نشانه‌گذاری، ساخت نحوی و واژگان دقیق. اگر این وضعیت استمرار یابد، به تدریج ذوق زبانی و حساسیت نسبت به درست‌نویسی کاهش می‌یابد. البته فضای مجازی ذاتاً دشمن زبان فارسی نیست؛ مسئله در نوع استفاده ما از آن است. اگر تولید محتوای باکیفیت، آموزش رسانه‌ای و حضور فعال نهادهای فرهنگی جدی گرفته شود، همین فضا می‌تواند به فرصتی بزرگ برای گسترش فارسی تبدیل شود.

نقش شاعران و نویسندگان معاصر در حفظ و پاسداشت زبان فارسی چه میزان است؟ آیا این نقش به اندازه کافی پررنگ است؟

شاعران و نویسندگان معاصر نقش بسیار مهمی در زنده نگه داشتن زبان فارسی دارند، زیرا زبان تنها با قواعد حفظ نمی‌شود، بلکه با آفرینش ادبی و فکری زنده می‌ماند. هر اثر ارزشمند ادبی، در واقع میدان تازه‌ای برای تجربه‌ورزی زبانی، گسترش ظرفیت‌های بیانی و تثبیت زیبایی‌شناسی فارسی است. نویسندگان و شاعران معاصر از یک سو باید پیوستگی با سنت را حفظ کنند و از سوی دیگر، زبان را برای بیان مسائل انسان امروز توانمند سازند. اگر ادبیات نادرست‌خوانی است، خواندن بلند متن‌های معیار، هم دایره واژگان و افزایش می‌دهد و هم بافت نحوی درست را در ذهن تثبیت می‌کند، اما باز کتاب منتخب مهم است. اگر متن آموزشی با جهان ذهنی دانش‌آموز ارتباط نداشته باشد، اثرگذاری آن کاهش می‌یابد. باید در کنار متون کلاسیک، از داستان، سفرنامه، نثر معاصر، ادبیات کودک و نوجوان و متن‌های کاربردی نیز استفاده کرد. واژه را نباید صرفاً حفظ کرد، باید در جمله، متن، گفت‌وگو و نوشتار به کار برد. آموزش واژگان زمانی مؤثر است که دانش‌آموز توان استفاده از آن را بداند. تاقی امتحان‌ها بر محفوظات و پاسخ‌های کلیشه‌ای استوار باشند، آموزش مهارتی جدی گرفته نمی‌شود. باید بخشی از ارزشیابی به خواندن، نوشتن، بازنویسی، ویرایش و تحلیل متن اختصاص یابد. معلم زبان فارسی باید هم به یادداشتن زبانی و ادبی مسلط باشد و هم با روش‌های نوین آموزش، روان‌شناسی یادگیری و فناوری آموزشی آشنا باشد. می‌توان از یادکست، کتاب صوتی،

آیا فرهنگستان زبان فارسی توانسته است به خوبی در زمینه واژه‌سازی و جایگزینی واژگان بیگانه عمل کند؟

در ارزیابی عملکرد فرهنگستان باید منصف بود. فرهنگستان در زمینه واژه‌سازی، تلاش‌های علمی و سازمان‌یافته مهمی انجام داده و در بسیاری از حوزه‌ها معادل‌هایی سنجیده، دقیق و قابل استفاده پیشنهاد کرده است. اصل این کار، برای سلامت و استقلال زبانی هر جامعه‌ای ضروری است، اما موفقیت واژه‌سازی فقط به تولید واژه وابسته نیست، بلکه به پذیرش اجتماعی، آموزش، تکرار رسانه‌ای، حضور در کتاب‌های درسی، همراهی نهادهای اجرایی و اقبال افکار عمومی نیز بستگی دارد. برخی واژه‌های فرهنگستان جا افتاده‌اند، زیرا خوش‌ساخت، بهنگام و کاربردی بوده‌اند، اما برخی دیگر به دلیل تأخیر در پیشنهاد، آشنایی ساخت، یا فقدان حمایت رسانه‌ای، کمتر پذیرفته شده‌اند. بنابراین می‌توان گفت فرهنگستان در اصل وظیفه واژه‌گزینی کامیابش فعال بوده، اما در گسترش اجتماعی و نهادینه‌سازی عمومی واژه‌ها هنوز کاستی‌هایی دیده می‌شود. موفقیت نهایی این فرایند، نیازمند همکاری نظام آموزشی، رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و دستگاه‌های اجرایی است. **دلیل اصلی ضعف بسیاری از دانش‌آموزان راهکارهایی برای حل این مشکل پیشنهاد می‌دهید؟**

ضعف زبانی دانش‌آموزان و دانشجویان معمولاً تک‌علتی نیست، اما مهم‌ترین علت را باید در فقر تجربه زبانی مستمر و عمیق جست‌وجو کرد. بسیاری از آنان کم‌می‌خوانند، کم‌می‌نویسند و کمتر با متن‌های سالم و غنی فارسی مواجه می‌شوند. در نتیجه، دایره واژگان، توان درک مطلب، قدرت استدلال زبانی و مهارت نوشتن آنان رشد کافی پیدا نمی‌کند. کمبود مطالعه غیردرسی، ضعف آموزش نگارش و ویرایش، امتحان‌محور بودن نظام آموزشی، کم‌توجهی

ضعف زبانی دانش‌آموزان و دانشجویان معمولاً تک‌علتی نیست، اما مهم‌ترین علت را باید در فقر تجربه زبانی مستمر و عمیق جست‌وجو کرد. بسیاری از آنان کم‌می‌خوانند، کم‌می‌نویسند و کمتر با متن‌های سالم و غنی فارسی مواجه می‌شوند. در نتیجه، دایره واژگان، توان درک مطلب، قدرت استدلال زبانی و مهارت نوشتن آنان رشد کافی پیدا نمی‌کند. کمبود مطالعه غیردرسی، ضعف آموزش نگارش و ویرایش، امتحان‌محور بودن نظام آموزشی، کم‌توجهی

خانواده‌ها به عادت مطالعه، اثرپذیری از زبان شتاب‌زده فضای مجازی، گسست میان متون درسی و نیازهای واقعی زبانی از عوامل مهم این شرایط است و اما راهکار آن: الزام به نوشتن مستمر و هدفمند، ترویج مطالعه آزاد از دوره ابتدایی، افزایش آموزش درک مطلب، خلاصه‌نویسی و تحلیل متن، آموزش ویرایش زبانی و درست‌نویسی، بازنگری در شیوه‌های ارزشیابی، تولید محتوای جذاب و فارسی برای نسل جوان، تقویت کتابخانه‌های مدارس و دانشگاه‌ها، ایجاد پیوند میان زبان فارسی و مهارت‌های زندگی، رسانه و شغل است. تا زمانی که زبان فارسی فقط یک «درس» تلقی شود، نه یک مهارت بنیادین زندگی، مشکل حل نخواهد شد.

آیا ما در ایران هنوز به اندازه کافی به حفظ و توسعه زبان فارسی اهمیت می‌دهیم؟ چه اقداماتی برای تقویت این زبان باید صورت گیرد؟

واقعیت این است که توجه به زبان فارسی وجود دارد، اما این توجه در بسیاری موارد شعاری، مقطعی و غیرنظام‌مند است. حفظ و توسعه زبان فارسی نیازمند سیاست‌گذاری دقیق، مستمر و چندبخشی است. نمی‌توان فقط با برگزاری مناسبت‌ها یا تأکیدهای کلی، زبانی را در جهان امروز توانمند نگه داشت. برای تقویت زبان فارسی باید اقداماتی اساسی صورت گیرد. در سطح آموزش: بازنگری در برنامه‌های درسی، تقویت مهارت خواندن و نوشتن، آموزش معلمان متخصص و روزآمد و در سطح رسانه: ترویج زبان معیار، روان و خوش‌ساخت، به‌ویژه از کاربرد بی‌رویه واژه‌های بیگانه، تولید برنامه‌های جذاب درباره زبان فارسی. در سطح فناوری: توسعه ابزارهای هوش مصنوعی، ترجمه، جست‌وجو و پردازش زبان فارسی، تقویت حضور فارسی در سیستم‌های دیجیتال، حمایت از تولید محتوای فارسی باکیفیت. در سطح فرهنگی: ترویج کتابخوانی، حمایت از نویسندگان، مترجمان و ناشران، پیوند دادن میراث ادبی با نیازهای نسل جدید و در سطح سیاست‌گذاری: هماهنگی میان آموزش پرورش، وزارت علوم، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی، برنامه‌ریزی بلندمدت برای مرعیت علمی فارسی در برخی حوزه‌ها. اگر این اقدامات به شکل هماهنگ انجام شود، زبان فارسی نه تنها حفظ خواهد شد، بلکه می‌تواند در جهان امروز حضوری فعال‌تر را تجربه کند.

شما به عنوان یک استاد، چه نظری درباره کیفیت تدریس زبان فارسی در دانشگاه‌ها و مدارس دارید؟ آیا نواقصی در این حوزه مشاهده می‌کنید؟

کیفیت تدریس زبان فارسی در کشور یکدست نیست؛ در کنار معلمان و استادان بسیار توانمند و دلسوز، با کاستی‌های جدی نیز روبه‌رو هستیم. مهم‌ترین نقص، همان فاصله میان آموزش نظری و مهارت عملی است. در بسیاری از کلاس‌ها، زبان فارسی هنوز بیشتر به صورت موضوعی برای امتحان تدریس می‌شود، نه به عنوان توانایی‌ای برای اندیشیدن، فهمیدن، تحلیل کردن و نوشتن. در مدارس، معمولاً مشکل در این است که زمان کافی برای تمرین عملی زبان وجود ندارد، کلاس‌ها گاه به حفظ متن و پاسخ‌های از پیش آماده محدود می‌شود و ذوق ادبی دانش‌آموز به‌خوبی پرورش نمی‌یابد. در دانشگاه‌ها نیز گاه دیده می‌شود که درس‌های عمومی فارسی برای برخی دانشجویان چندان جدی تلقی نمی‌شود، آموزش نگارش علمی و دانشگاهی کافی نیست و مهارت‌های زبانی دانشجو در مسیر تخصصی او به‌درستی تقویت نمی‌شود. به نظر من، نواقص اصلی عبارتند از: کمبود آموزش مهارت‌محور، ضعف در آموزش نگارش دانشگاهی و حرفه‌ای، کم‌توجهی به لذت خواندن و تجربه ادبی، ناهماهنگی میان محتوا، روش تدریس و نیازهای نسل جدید، نیاز به بازآموزی روش‌های تدریس برای برخی مدرسان و مجموعه، اگر بخواهم داوری منصفانه‌ای داشته باشم، باید بگویم که ما در حوزه آموزش زبان فارسی ظرفیت‌های بسیار خوبی داریم، اما این ظرفیت‌ها هنوز به نظامی کارآمد، پیوسته و کاملاً اثرگذار تبدیل نشده‌اند.

نسرین پرویزی، معاون گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی:

اگر رسانه‌های پای کار بیایند، نسل‌های بعد با واژه‌های فارسی‌خومی‌گیرند



استانداردهای متعدد به زبان فارسی برگردانده می‌شود و سعی می‌شود به زبان فارسی فصیح باشد. تعریف‌نگاری برای واژه‌های حوزه‌های مختلف که یکی از کارهای اصلی و اساسی و مهم در کار گروه‌های تخصصی واژه‌گزینی است، بسیار حائز اهمیت است و لازم است متطبق با تعریف‌نگاری استاندارد باشد. همچنین، تعریف‌نگاری در کار فرهنگ‌نویسی بسیار اهمیت دارد. در ترجمه اسامی مشکلات و مباحث متعددی مطرح است که در حوزه‌های مختلف با آنها سروکار داریم، از آن جمله برگردان واژه‌ها یا عبارات استعاری.

نقش رسانه‌ها، به ویژه تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی، در ترویج واژه‌های فارسی جدید و حفظ زبان فارسی را

فرهنگ‌ها در دسترس عموم قرار دارند؟ فرهنگستان فرهنگ‌ها و دانشنامه‌های متعددی به چاپ رسانده است. از آن جمله: فرهنگ جامع زبان فارسی سه جلد منتشر شده که به صورت برخط نیز در دسترس است و جلد چهارم در دست تدوین است. دانشنامه زبان و ادب فارسی (در دو قطع متفاوت، در شش جلد و ۱۲ جلد ۲۰ جلد دین)، دانشنامه شیشه‌قاره (در شش جلد)، فرهنگ‌های واژه‌های مصوب (۲۰ جلد منتشر شده و دو جلد در دست تدوین است)، فرهنگ واژه‌ها که فرهنگ‌های تخصصی واژه‌های مصوب فرهنگستان است (۳۷ جلد منتشر شده و دو جلد در دست تدوین است)، واژه‌نامه دوزبانه همه مصوبات فرهنگستان شامل حدود ۷۰ هزار واژه در دو جلد (جلد فارسی به انگلیسی منتشر شده و جلد انگلیسی به فارسی در دست تدوین است). این فرهنگ‌ها در کتابفروشی فرهنگستان و سایر کتابفروشی‌ها عرضه شده و در اختیار عموم است.

فرهنگستان زبان فارسی تا چه اندازه به ترجمه‌های صحیح و دقیق از متون خارجی اهمیت می‌دهد و آیا در این راستا چالش‌های خاصی وجود دارد؟

گروه‌های علمی فرهنگستان اساساً کار ترجمه انجام نمی‌دهند و هر یک پژوهش‌های زبانی خاص خود دارند. در حوزه استاندارد سازی ملی و بین‌المللی، فرهنگستان با سازمان استاندارد ایران همکاری دارد و مسئولیت کارگروه فنی ۳۷ را بر عهده دارد که در حوزه اصطلاح‌شناسی و مرتبط با کار واژه‌گزینی است. در این کار گروه،



متخصصان این رشته‌ها بررسی و معادل‌گزینی می‌شود. هر کار گروه واژه‌گزینی علمی در فرهنگستان از همکاری پنج تاهفت استاد همان رشته بهره می‌گیرد و یک یا دو عضو واژه‌گزینی نیز در آن حضور دارند که آگاهی و اشراف به مسائل زبانی و قواعد واژه‌سازی دارند و استادان را در این زمینه‌ها یاری می‌دهند. در شوروی فرهنگستان نیز متخصصان برخی رشته‌ها و نیز زبان‌شناسان و ادیبان هستند. مردم نیز می‌توانند پس از تصویب هر دسته واژه که در فرهنگ مصوبات در پایان هر سال تدوین می‌شود، تا سه سال درباره آنها اظهار نظر نمایند.

در مواجهه با موج گسترش زبان‌های خارجی، به ویژه انگلیسی، چطور می‌توانیم واژه‌های فارسی را در گفت‌وگوهای روزمره مردم پررنگ‌تر کنیم؟

این مسئله بحث فرهنگی است و نباید انتظار داشت که فرهنگستان به تنهایی از عهده این کار برآید. مسئله فرهنگ‌سازی و تقویت هویت ملی مطرح است که لازم است نهادهایی مانند صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر نهادهای فرهنگی و ملی به آنها اهتمام بورزند. صداوسیما شاید قوی‌ترین ابزار باشد که بتواند از طریق آن مردم را با هویت ملیشان آشنا کرده، به نحوی که به پیشینه ملی خود افتخار کنند و زبانشان را که از ارکان هویت ملی است، قدر بدانند.

در سال‌های اخیر، چه اقداماتی برای تدوین فرهنگ‌های تخصصی به زبان فارسی انجام شده و چقدر این

نسرین پرویزی در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: همه رسانه‌ها باید همت و همکاری کنند تا زبان و ادبیات درست فارسی در جامعه ترویج شود. واژه‌های ساخته‌شده از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز باید به‌طور مکرر در رسانه‌های نوشتاری، دیداری و شنیداری به کار روند تا نسل‌های بعد به واژه‌های فارسی خوب‌گیرند. متنورج گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

با توجه به تغییرات سریع در دنیای فناوری و ارتباطات، فرهنگستان زبان و ادب فارسی چگونه به انتخاب واژه‌های مناسب برای تکنولوژی‌های جدید و پدیده‌های نوین دقت می‌کند؟

فرهنگستان تلاش می‌کند که با رصد کردن فضای مجازی در حوزه‌های مختلف به واژه‌های جدید در حوزه‌های گوناگون دست یابد و پیش از رایج شدن برای آنها معادل‌گزینی کند. در حوزه‌های گوناگون نیز از طریق استادان و اهل فن و نیز برای مقالات و انتشارات جدید سعی می‌کنند این واژه‌ها را بیابند. بدیهی است که حوزه‌های این علم و فناوری بسیار گسترده است و انتظار نمی‌رود که فرهنگستان بتواند با تعداد اندکی پژوهشگر و امکانات محدود به همه واژه‌های این حوزه‌ها دسترسی پیدا کند.

آیا برای وارد کردن واژه‌های جدید به زبان فارسی، نظرات کارشناسان مختلف از جمله زبان‌شناسان، نویسندگان و حتی مردم عادی مورد توجه قرار می‌گیرد؟

بستگی به نوع واژه دارد. واژه‌های علمی با حضور و همکاری مستقیم